

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Explaining the Mutual Relationship between Landscape Perception and
Participation in the Process of Participatory Landscape Development
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین ارتباط دوسویه ادراک منظر و مشارکت در فرآیند توسعه
منظر مشارکتی*

نفسیه گلستانی^۱، مهدی خاک زند^{۲*}، محسن فیضی^۳، باقر کریمی^۴

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران.
۲. دکتری معماری منظر، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۳. دکتری معماری منظر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۴. دکتری معماری، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱ - تاریخ اصلاح: - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۹/۰۱

چکیده

بیان مسئله: برقراری ارتباط میان انسان و محیط اطرافش از گذشته‌های دور، به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر، در زندگی انسان و تأمین نیازهای مادی و معنوی او نقشی اساسی داشته است. این تعامل در دوره‌های مختلف و در مناظر گوناگون به نمایش گذاشته شده و سبب تقویت فرهنگ مردم هر کشور می‌شود. همچنین، این تعامل محیط و منظر به کمک ادراک و مشارکت نقش مهمی در بهبود ابعاد کیفی منظر دارد و سعی بر آن شده است که ارتقای آن از طریق منظر مشارکتی ممکن شود.

هدف: این پژوهش در پی بررسی ویژگی‌های ادراک از مناظر شهری و مشارکتی و ارائه فاکتورهای تطبیقی ادراک منظر و حوزه مشارکت است.

روش تحقیق: این پژوهش که در آن، تلفیق روش‌های تحلیل محتوا و مقایسه تطبیقی استفاده شده است، ابتدا در پی استدلال در زمینه ادراک و مشارکت، سپس به دنبال شیوه‌های به‌کارگیری روش تطبیقی در منظر مشارکتی است. بخش نخست این مقاله به مباحث نظری در زمینه ادراک و مشارکت به صورت تحلیل محتوا اختصاص دارد - که با استفاده از راهبردهای کیفی در بستر استدلال منطقی میسر شده است - و سپس با استفاده از روش تحلیلی تطبیقی بررسی اشتراکات فاکتورهای ادراک و مشارکت می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: ادراک منظر به عواملی همچون فضای-بصری، عملکردی و بصری-رفتاری وابسته است و مشارکت به نظریه مشارکتی، گستره چندسطحی، الگو و نردبان مشارکتی بستگی دارد. به کمک همین تعاریف در این مقاله مدل مفهومی ارائه شده است که نمایانگر ارتباط دوسویه بین فاکتورهای ادراک منظر و مشارکت است. نتایج نشان می‌دهد برآیند متقابل فاکتورها به واسطه اعتماد فردی، تعمیم‌یافته و نهادی در توسعه و شکل‌گیری فرآیند منظر مشارکتی مؤثر است. در انتها الگوی طراحی منظر مشارکتی با بهره‌گیری از نظر متخصصین ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت، ادراک منظر، منظر مشارکتی، کیفیت منظر شهری.

مقدمه و بیان مسئله

در حوزه ادراک محیط برای افزایش ایجاد ادراک منظر شهر - باعث ارتقای سطح زیست‌پذیری مطلوب می‌شود. چنان‌که چاره‌اندیشی در این باره، از دهه ۱۹۷۱ میلادی

امروزه مشارکت شهروندان در طراحی شهری و معماری منظر که از الگوهای مشارکت مردمی است - به خصوص

* و دکتر مهدی خاک زند و با مشاوره دکتر باقر کریمی در سال ۱۳۹۸ در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به انجام رسیده است. * نویسنده مسئول: mkhakzand@iust.ac.ir ۰۲۱۷۷۲۴۰۴۶۷

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نفسیه گلستانی، با عنوان «تبیین نسبت چگونگی ادراک منظر با مشارکت شهروندان در تقویت قرارگاه‌های رفتاری محلات قدیم شیراز» است که به راهنمایی دکتر محسن فیضی

گرفت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اقدامات ستا لاو در دانشگاه پنسیلوانیا اشاره کرد (Low, 1981). در چهار دهه گذشته مفاهیم اقتصادی و اجتماعی متحول شده‌اند، اما مفهوم مشارکت همواره در عمق فرآیند توسعه جای گرفته و اهمیت روزافزونی یافته است. در دهه ۱۹۶۰ تحت عنوان دهه توسعه، با مطرح شدن هیجان حاصل از رویکردهای استعمارزدایی کشورهای جهان سوم، تأثیر عوامل انسانی و مشارکت مردم، از فرآیند توسعه مشارکتی بوده است. در دهه ۱۹۷۰ و به‌ویژه در سال‌های اولیه آن که با رکورد اقتصادی و بحران انرژی همراه بود و مردم قادر به تأمین نیازهای خود نبودند، ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌ها و راهبردهای توسعه مطرح شد. در نتیجه جستجوی رهیافت‌های مناسب به طور گسترده‌ای پیگیری و دنبال شد.

در پی چنین تلاش‌هایی، یونسکو در نوزدهمین اجلاس عمومی خود در سال ۱۹۲۶، در نایروبی رهیافت توسعه درون‌زای انسان‌محور را مطرح ساخت و لزوم اجرای آن را در برنامه‌های توسعه اعلام کرد. در این رهیافت به لزوم مشارکت بیش از پیش تأکید شد و مشارکت به محور اساسی توسعه تبدیل شد. نخستین هدف توسعه انسان‌محور دستیابی به نیازهای اساسی انسانی بود. این هدف بر گروه‌ها و قشرهای محروم اجتماعی تأکید بسیار داشت. در توسعه درون‌زا، مشارکت نقش و جایگاه مهمی پیدا کرد و از جمله محورهای بنیادین آن قلمداد شد. در توسعه درون‌زا مردم آگاهانه هویت خود را حفظ می‌کنند و از اندیشه فردی و جمعی نیرو می‌گیرند. از این رو مشارکت مردم در این فرآیند شرط اساسی عملی است که بخشی از جنبه‌های عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، نظریه توسعه، با توجه به هدف و محتوای خود، اهمیت مشارکت را در همه سطوح از تصمیم‌گیری در تعیین هدف و تعیین نیازها گرفته تا اجرا و ارزیابی برنامه در برمی‌گیرد. مشارکت در عین حال که یک هدف است، یکی از نیازهای اساسی بشر نیز به شمار می‌رود (یاور، ۱۳۸۰، ۳۷-۳۹).

مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره قوانین متعددی مبنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد.

مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد و پس از آن، کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند. مشارکت فقط در دادن اطلاعات به مردم، داشتن روابط خوب و متقاعدسازی آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه گشودن حکومت به تشویق و کنش متقابل مردم است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴، ۱۷).

کشورهای توسعه یافته غربی را به فکر فروبرده است؛ اما متأسفانه در اکثر کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه از جمله ایران، هنوز این موضوع مورد توجه کافی و جدی واقع نشده است. بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند حداقل منجر به مشکلات و معضلاتی چون از بین رفتن تعامل سازنده مردم و منظر شهر و از دست رفتن هرچه بیشتر هویت انسانی شود. افزون بر این مشارکت یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات لمی در حوزه معماری و شهرسازی است و با توجه به زمینه‌های مختلف، تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. برخی از صاحب‌نظران در تعریف مشارکت، با نگرش کلان، آن را به معنی شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمام عرصه‌های اجتماعی دانسته‌اند. مشارکت فرآیند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم، در تمامی مراحل توسعه، برای ظهور توانایی‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی انسان‌هاست. بر این اساس، مشارکت به عنوان عنصری مهم برای رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار معرفی شده است؛ اما ریشه‌های مشارکت مردمی به شکل کنونی و در عرصه طراحی محیط را باید در سال‌های نخستین پس از جنگ دوم جهانی جستجو کرد. در این زمان، یعنی سال‌های پس از دهه ۱۹۷۱، نیاز به نوع جدیدی از برنامه‌ریزی اجتماعی مطرح شد که بتواند خواسته‌های شهروندان را پوشش دهد. هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های ادراک از مناظر شهری و مشارکتی و ارائه فاکتورهای تطبیقی ادراک منظر و حوزه مشارکت است. در ادامه، مفاهیم مرتبط با مبانی نظری مشتمل بر ادراک، منظر، ادراک منظر و سپس رویکردهای مشارکتی منظر مورد بحث قرار می‌گیرد و در انتها به تبیین و مقایسه این رویکردهای مشارکتی پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش در دانش نوپای معماری منظر، نه تنها دارای اهمیتی هم‌تراز با پژوهش در سایر رشته‌هاست، بلکه به سبب نیاز به شناخت هرچه صریح‌تر و روشن‌تر مرزهای این دانش، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پرداختن به آن تلقی می‌شود. با چنین رویکردی، از دو دهه اخیر تا امروز، با استناد به مطالعات بنیادی افرادی چون فورمن و گودرون، ترنر، فورمن، بل، نائیملا، آهرن، مک گریگال و مارکس و مک گریگال و همکاران، قابلیت سنجش کمی و کیفی منظر ارتقا داده شده است، از همین رو می‌توان منظر را در قالب دانش معماری منظر، براساس مطالعه فرآیندها و الگوهای آن مورد سنجش قرار داد و تصویری مشخص از آن را ادراک کرد. در دهه ۱۹۸۰، اقداماتی برای استفاده از روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی برای کاربرد در معماری منظر صورت

مبانی نظری

• منظر شهری و ادراک محیط

از منظر شهری تعاریف گوناگونی ارائه شده است (Lynch, 1960; Cullen, 1961; Appleyard, 1979; Lang, 1987; Gehl, 1987; Punter, 1991; Norberg-Schulz, 2000, 67; Dupont, Ooms, Duchowski, Antrop & Van Eetvelde, 2017; Ferretti, 2018; Lore & Swital, 2018; Danielsson, 2019). در ساده‌ترین تعریف ممکن، منظر شهری، نما و پوسته‌ظاهری و بیرونی شهر است و شامل تمام عناصری است که در گستره دید انسان قرار می‌گیرد (Carmona, 2010). منظر شهری ترکیبی از ساختمان‌ها و فضای میان آن‌هاست که به واسطه توزیع و چیدمان عناصر زنده و غیرزنده شهر شکل می‌گیرد، از طریق حرکت تجربه می‌شود، و به وسیله شهروندان درک می‌شود (Tilley, 2006). منظر شهری بخش مهم و قابل درک فضای شهری است که به دلیل گستردگی و تنوع عوامل سازنده آن، مفهومی چندبعدی و پیچیده پیدا کرده و بعد بصری این مفهوم در کنار جنبه‌های ادراکی آن، منظر شهری را شکل داده و آن را تعریف کرده است (Cullen, 1961; Norberg-Schulz, 2000; de Oliveira, 2016; Morgan, 2017; Xue, Gou & Lau, 2017; Phillips, Slepian & Hughes, 2018; Kelly, 2018; Wang et al., 2019). به عبارت دیگر، منظر یک شهر عناصر قابل لمس و ادراکی شهر است که به واسطه الگوهای شهر، ویژگی‌های کالبدی-طبیعی شهر و پیکره‌بندی فضایی از یکدیگر متمایز می‌شوند. این تحولات به واسطه منطق فضایی و اجتماعی خود به ساختار فضا شکل می‌بخشد و آن را مطابق با زمینه، بستر فرهنگی و اجتماعی و محیط فیزیکی پیرامون توسعه می‌دهد (Rapoport, 1992).

مناظر از طریق فعالیت‌های انسانی، ادراکات و عملکردهایشان قابل درک هستند (Norman, 2011). منظر می‌تواند به معنای مطالعه هر چیزی در ارتباط با شکل ظاهری و یا تجسم و تجربه یک فضا یا بستر محیطی باشد (Francis & Hutchinson, 2012) که در این راستا مناظر شهری به عنوان یک بستر، این تجربه را در اختیار استفاده‌کنندگان خود قرار می‌دهد (Jinghui, 2012). از دیدگاه حبیب، منظر شهری بخشی از شکل شهر است که ناظر آن را دریافت می‌کند. در واقع منظر شهری که بتواند تصویر واضحی از خود به جا بگذارد، می‌تواند نقشی اجتماعی نیز داشته باشد؛ چرا که به مردم کمک می‌کند بدانند کجا هستند و در نتیجه محیط را درک و فعالیت‌هایشان را نحو مطلوب‌تری تنظیم کنند و حتی می‌تواند خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش دهد (حبیب، ۱۳۸۵). از طرفی این ادراکات هستند که منظر را شکل می‌دهند و در واقع از طریق حواس ما پیام‌ها را منتقل می‌کنند (Cottet, 2019).

(Rivière-Honegger & Piégay, 2010). محیط فیزیکی شهر به عنوان منبع و نشانه‌های تصاویر ذهنی و خاطرات به صورت برجسته‌ای شکل‌پذیر است و هر فرد با توجه به خاطراتی که از منظر شهری دارد نسبت به آن حس تعلق پیدا می‌کند (Kincaid, 2005)؛ بنابراین، شناخت عواملی که منجر به ایجاد خاطرات و ارتباط مناظر شهری با ادراکات ذهنی می‌شوند امری ضروری است که عدم توجه به آن منجر به گسست فرهنگی می‌شود. رابطه‌ای که بین ادراکات ذهنی به عنوان امری ثابت و ساختار فیزیکی شهری به عنوان امری متغیر وجود دارد، بستری متعادل بین شهر و خاطره جمعی ایجاد می‌کند که سبب حضور مردم در آن می‌شود. بنابراین، منظر شهری به عنوان بستری برای شکل‌گیری خاطرات جمعی و ادراکات ذهنی استفاده‌کنندگان از آن عمل می‌کند (Rachel & Rachel, 2013).

اصطلاح منظر شهری گرچه در اوایل قرن نوزدهم در آثار «جان نش» و در اواخر قرن نوزدهم در دیدگاه‌های «کامیلو زیت» مشهود بود، ولی اولین بار توسط «توماس شارپ» در سال ۱۹۴۸ استفاده شد (Carmona, 2010). نظریه «زیت» در خصوص رویکرد زیبایی‌شناسی به شهر، زمینه لازم را برای برخی از مباحث بصری در فضاهای شهری فراهم آورد، اما در نهایت «کالن» با ارائه دیدگاه خود بنیانگذار تئوری سیمای شهر لقب گرفت. از دیدگاه کالن، منظر شهری هنر انسجام‌بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند (کالن، ۱۳۹۵) و به عبارتی چشم‌اندازی است که از فضای شهری رؤیت می‌شود. در این رویکرد شهر به مثابه کلیتی از توده و فضا، از طریق روابط بصری درک می‌شود. با این وجود، منظر شهری علاوه بر بعد فیزیکی، حس و معنای ادراکی از فضای شهری را نیز شامل می‌شود، به واسطه فعالیت انسانی در فضا شکل می‌گیرد و در طول زمان تجربه و درک می‌شود (Deniz & Topcu, 2012). آن‌چه منظر شهری را می‌سازد ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی و فرهنگی یک شهر است که دربرگیرنده فضای شهری، عناصر سازنده و ادراک شهروندان از آن است (Varol, Ercoskun & Gurer, 2011).

ویژگی اصلی منظر شهری ادراکی-زمینه‌گرا آن است که به عنوان یک ساختار اجتماعی-فضایی مطرح می‌شود (ذکاوت، ۱۳۸۵، ۳۰). امروزه منظر با تعاریف جامع و دقیق‌تر به عنوان آینه‌ای فرهنگی و تاریخ‌نما، ابعاد فرهنگی-اجتماعی و زیبایی‌شناختی مطرح شده است. بر این اساس، منظر جلوه‌گاه ارتباط انسان و طبیعت پیرامون او از گذشته تا حال شناخته می‌شود و لوحی است که او آثار خود را دقیق و عمیق بر آن نگاشته است. بدین ترتیب، منظر، تاریخی برای نقل است (منصوری، ۱۳۸۳، ۷۱). در تعریف امروز، منظر یک

مطلوب ارتباط مستقیم و سازنده با مطلوبیت ارزش‌ها و کیفیت‌های زیست‌محیطی یک مکان دارند (زندیه و زندیه، ۱۳۸۹). «ریچارد هدمن» معتقد است که مردم، خیلی بیشتر از آن‌چه تصور می‌کنیم پیرامون خود را می‌بینند؛ مردم از تجربهٔ مجدد مکان‌هایی که از نظر ویژگی‌های بصری پرکشش هستند و جاهایی که همواره به نظر می‌رسد روابط و تأثیرات فضایی تازه‌ای دارند لذت می‌برند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۴۷۰).

منظر را می‌توان مبین مجموعه‌هایی از جلوه‌های ادراک محیط، فرهنگ، باورها و نیز به عنوان زمینه‌ای که انواع شکل‌ها، الگوها و جلوه‌های حیات را در خود جای داده است، در نظر گرفت (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۱، ۱۷). از دیدگاه «مینینگ» منظر ممکن است به مثابهٔ مفاهیم و رویکردهای نظری متعددی ادراک شود (Meining, 1979). حتی منظر می‌تواند به مثابهٔ یک منبع ثروت، یک زیستگاه، یک سیستم پیچیده، یک ایدئولوژی انسانی، یک مکان، یک مجموعهٔ زیبا و یا عاملی مشکل‌زا تصور شود (رستنده، ۱۳۸۶، ۴۵). با آغاز هزارهٔ سوم میلادی، مباحثی چون مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پایداری، پاسخ‌دهی و یکپارچگی زیست‌محیطی در حوزهٔ ادبیات معماری منظر وارد شده است. پیچیدگی چنین مسائلی متخصصین حوزهٔ معماری منظر را بر آن می‌دارد تا به پژوهش، به عنوان بخش مهمی از فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی، تمایل بیشتری نشان دهند (Milburn & Brown, 2003, 55).

• عوامل شکل‌گیری ادراک منظر

منظر پدیده‌ای عینی، ذهنی، پویا و نسبی است که محصول تعامل انسان با محیط و جامعه با تاریخ است (منصوری، ۱۳۹۴). یکی از ابعاد منظر شهری، عینی‌بودن آن است که به واسطهٔ کیفیت ظهور عوامل فیزیکی محیط، موجودیت می‌یابد اما تدریجاً به واسطهٔ حضور در شرایط تاریخی و تکرار شدن در مقابل گروه انسان‌های ادراک‌کنندهٔ آن، واجد نوعی وجود ذهنی و به عنصر مشترک پیونددهندهٔ افراد جامعه بدل می‌شود (گلکار، ۱۳۸۵، ۴۵).

ساخت عینی از منظر شهری نگاهی پدیدارشناسانه به شهر است که از بستر مطالعات ادراکی لینچ (Lynch, 1960)، اپلیارد (Appleyard & Lintell, 1972)، نوربرگ-شولتز (Norberg-Schulz, 1988) و لنگ (Lang, 1988) برای بیان نقش انسان در ادراک هر پدیده، لزوم وجود معنا و ویژگی‌های مکانی به ادبیات شهری وارد شده است. روشی که لینچ اتخاذ کرده بود، یعنی «رسیدن به معانی موجود در شهر از طریق فراگیری نقشه‌های ذهنی که ساکنان شهر برای خود ترسیم می‌کردند» (Lynch, 1960)، تبدیل به اساس و بنیادی برای جغرافیای شناختی شد که در حال حاضر جزئی از ابزارهای اساسی و اصلی پژوهش‌ها دربارهٔ محیط شهری

شیء نیست. برای درک آن، دانستن چگونگی ترکیب اجزای محیط با یکدیگر و چگونگی عملکرد فیزیولوژی ادراک کافی نیست، بلکه باید تمایزهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ادراک را نیز شناخت. به عبارت دیگر، آنچه ذهنیت انسانی را می‌سازد باید شناخته شود (Berque, 1995, 23). منظر شهری پدیداری است که تنها از طریق تجربهٔ انسانی و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. مفهوم منظر شهری در این الگو، از مفهوم فضایی و سه‌بعدی فراتر می‌رود و با لحاظ کردن بعد معنا، تحولی چارچوبی از پارادایم فضا به پارادایم مکان را شکل می‌دهد (گلکار، ۱۳۸۷، ۱۰۷). فضای شهری بستری است که واقعه‌ها و حوادث در آن رخ می‌دهند و سبب می‌شوند تا خاطره شکل بگیرد (حبیبی، ۱۳۸۳، ۱۶). در واقع منظر شهری نیازمند مطالعه و به‌کارگیری فرهنگ و هویت به‌ارث‌برده از گذشته است (Junjira & Nopadon, 2012). در این میان به مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد آیین‌های جمعی است. آیین‌های جمعی اثری عمیق بر ساکنین شهر می‌گذارند و به تقویت حس همبستگی و تعلق مکان منجر می‌شوند (امین‌زاده، ۱۳۸۶). در عین حال، یکی دیگر از عناصر اساسی در منظر شهری به مناطق تاریخی برمی‌گردد که خاطرات گذشته از طریق آنها بازگو می‌شود (Junjira & Nopadon, 2012). بیش از ۸۰ درصد ارتباط انسان با محیط از طریق دیدن ایجاد می‌شود؛ بنابراین مشاهدهٔ منظر و ادراک آن توسط انسان نقش مهمی در ادراک و شناخت وی از محیط و تعیین رضایتمندی و عدم رضایتمندی او دارد (گلچین، نارویی و مثنوی، ۱۳۹۱). دو تئوری متفاوت در مباحث متداول شناخت و ادراک بصری حکم‌فرماست؛ «تئوری استنتاجی» ادراک را به‌عنوان فرایند درگیر خاطره، تجارب گذشته و قابلیت‌های معنایی می‌داند، در حالی که «تئوری صریح» ادراک را به‌عنوان ارتباط میان مشاهده‌کننده و محیط می‌بیند (Caiani, 2014). ادراک بصری، آسایش بصری، سازمان بصری و ارزش‌های بصری مفاهیمی مرتبط و به‌هم‌پیوسته هستند. آسایش بصری را می‌توان برای مکان‌هایی توصیف کرد که به علت کمیت و کیفیت مطلوب اطلاعات و شرایطی که ارائه می‌دهند به‌نحو سالم‌تر، ایمن‌تر و مطلوب‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرند و نظارت‌های رسمی و یا اجتماعی بالاتری را نیز از این حیث به‌همراه دارند (دویران، خدایی، غلامی و دانش‌دوست، ۱۳۹۱). در تعریفی از سازمان بصری، آن را انتظام، هم‌پیوندی و انسجام حاکم بر ارتباط بصری میان عناصر و اندام‌های شهری، وضوح و حضور کیفیت‌های بصری سازندهٔ هویت در منظر شهری می‌دانند (انصاری، صادقی، احمدی و حقیقت‌بین، ۱۳۸۷). افزون بر این، ارزش‌های بصری مهم‌ترین بخش از کیفیت‌های محیطی را تشکیل می‌دهند. کیفیت‌های بصری

علاوه بر کالبد، یک مکان ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را از حضور کارکردهای متمایز و فعالیت‌های زیستی مشخص به‌دست می‌آورد و در سایه‌روشن زندگی روزمره، فعالیت‌ها و عمکردهای رخ‌نموده احساس می‌شوند (Relph, 1976; Trancik, 1986; Kauffmann, Ramanoël, Guyader, Chauvin & Peyrin, 2015; Jasińska, 2016; Chen & Tao, 2017; Ishak & Haymaker, 2018; Borucińska-Bieñkowska, 2019).

ج) ویژگی‌های فرهنگی - معنایی: از دیگر ویژگی‌های مؤثر در تبدیل محیط به مکان، کیفیت معنایی محیط است (Appleyard, 1979; Gehl, 1987; Punter, 1991; Relph, 2007; Wan & Shen, 2015; Ratcliffe & Korpela, 2016; Rapoport, 2016; Monteyne, 2017; Lore & Swital, 2018). همان‌طور که بیان شد، محیط پیرامونی در صورتی می‌تواند به محیطی بامعنا تبدیل شود که امکانات غنی‌ای در تعیین هویت ارائه کند و پیوندی سرشار از معنا با جهانی متشکل از اشیاء و چیزهای مختلف برقرار سازد (شولتز، ۱۳۸۳، ۲۲). آن‌چه از آن به عنوان معنا یاد می‌شود، حاصل چیزی است که در آموخته‌ها، تجربه‌ها، فرهنگ و عادات افراد ریشه دارد و ادراک، تصویر ذهنی و برخورد هر فرد را در ارتباط با آن فضا و فعالیت‌های رایج در آن رقم می‌زند (فلاح، ۱۳۹۱، ۵۴). معانی پیش از ما نیز وجود داشته‌اند و تاریخ و زندگی دارند، اما در تعامل با حیات مکانی و زمانی ما دوباره بازسازی و بازتولید می‌شوند (پریموزیک، ۱۳۸۸، ۴۰). توجه به ویژگی‌های فرهنگی هر منطقه از مهم‌ترین عواملی است که در فهم و تعریف معانی مرتبط با مکان مؤثر است؛ چراکه هر مکان، بستری برای روابط متقابل میان انسان‌هاست. در واقع ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می‌کند و در آن تجلی می‌یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازد؛ در نتیجه، مؤلفه معنایی مکان، بستری کیفی و استعاری است که برآمده از حضور رویدادها و خاطرات جمعی و آن‌دست از ویژگی‌هایی است که مکان به واسطه آن معنا دار شده است (کیانی و پورعلی، ۱۳۹۱، ۶۳) (تصویر ۱).

• مشارکت

مشارکت کلمه‌ای عربی و از باب مفاعله است و معادل فارسی آن همیاری، همراهی، شریک و همدست شدن در کارها و همکاری کردن است. ریشه لاتین این کلمه از واژه Participate. به معنای با خود داشتن، از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیر شدن افراد برای انجام کاری است. و امری دوجانبه تلقی می‌شود که شخصی از روی میل و اراده، پذیرای آن می‌شود و با فرد یا گروهی برای انجام

است، پژوهش‌هایی که محیط شهری را به عنوان موجودیتی سرشار از معنی درک کرده‌اند.

افزون بر این درک منظر شهری فرآیندی ذهنی است که از طریق ارتباط انسان و فضای پیرامون او انجام می‌گیرد. انسان پیام‌های حسی محیط را دریافت می‌کند و تصویری از محیط در ذهن خود به‌وجود می‌آورد. یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این تصویر، خاطرات فردی یا جمعی از محیط است (حبیبی، ۱۳۸۳). در زمینه ارتباط منظر شهری و ادراکات ذهنی، نیازمند شناسایی عواملی هستیم که سبب می‌شوند چیزی در ذهن استفاده‌کنندگان از فضا نقش ببندد. گذر زمان، مناظر تاریخی، فضاهای عمومی، وقایع و رویدادها و نشانه‌ها از آن جمله هستند. به طور کلی در جریان شکل‌گیری شهرها و در طول تاریخ، مناظری به‌وجود می‌آیند که در پیوند با خاطرات مردم هستند و در ذهن ساکنین شهر از محیط سکونتشان باقی می‌مانند (لینچ، ۱۳۷۴).

با توجه به آن‌چه گفته شد، در تعریف و شکل‌گیری ادراک منظر همواره ویژگی‌های کالبدی، فعالیتی و معنایی اهمیت داشته است. ویژگی‌های کالبدی و فعالیتی در راستای تعامل عینی با منظر و ویژگی‌های معنایی در راستای تعامل ادراکی و ذهنی با منظر مهم است. شکل‌گیری شخصیت و تصویر ذهنی منظر، از مکان، اتفاقات و ویژگی‌های مؤثر در ایجاد آن جدا نیست. عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تعریف شخصیت مکان، هویت تصویر و شخصیت منظر مشاهده‌شده و تصویرشده را تشکیل می‌دهند این عوامل عبارتند از:

الف) ویژگی‌های کالبدی: همان‌گونه که گفته شد هر مکان دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی است که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی‌یابد. چشم‌انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنه‌ها، پیکره فضایی، نشانه‌ها، عناصر شاخص و غیرشاخص کالبدی، عناصر اصلی کف و بام، خطوط آسمان، آستانه، مسیرها، حدود، مرز و مواردی از این دست بستری را فراهم می‌آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آنها به‌درستی امکان‌پذیر نیست و آنها در واقع به حال و هوا و شخصیت محلی مکان قطعیت می‌بخشند (Lynch, 1960; Steele, 1981; Zeidman & Maguire, 2016; Dupont et al., 2017; Senes, Pernechele, Berto, Fumagalli, & Barbiero, 2018; Lande, 2018; Danielsson, 2019; Milioris, 2019). کالبد یک مکان با ویژگی‌های تناسباتی و شکلی خود دارای جهت‌گیری خاص هندسی است که تأثیر عمده‌ای در شکل‌گیری مؤلفه‌های معنایی و جانمایی کارکردهای شاخص و غیرشاخص مکان دارد و در تصویر و شخصیت منظر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شولتز، ۱۳۸۳، ۱۷۳).

ب) ویژگی‌های عملکردی: با توجه به گفته‌های پیشین،



تصویر ۱. عوامل شکل‌گیری ادراک منظر. مأخذ: نگارندگان.

ذهنی و عاطفی است. در مشارکت علاوه بر خود شخص، مهارت‌ها و توانایی‌ها و امکانات فراهم‌شده او نیز درگیر است (Midgley, 1987; Wiedemann & Femers, 1993; Sanoff, 2000; Bailey & Grossardt, 2010; Hopkins, 2010; Ross, Baldwin & Carter, 2016; IAP, 2017).

ب) انگیزش برای یاری‌دادن: شخص در مشارکت فرصت می‌یابد از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده کند. مشارکت با موافقت فرق دارد؛ در موافقت، شخص موافق کمک خاصی نمی‌کند بلکه فقط آن چه پیش رویش می‌گذارند تصویب می‌کند؛ اما مشارکت یک دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است. در واقع در مشارکت، مشارکت‌کننده نقش اصلی را دارد که تلاش می‌کند توانایی‌های خود را به نمایش گذارد (همان، ۵۱).

ج) پذیرش مسئولیت: مشارکت با برانگیختن اشخاص باعث می‌شود تا آنها در کوشش‌های گروه مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت زمانی تحقق می‌یابد که وابستگی و مسئولیت جای بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی را بگیرد (علوی‌تبار، ۱۳۸۷، ۱۵-۱۶) (تصویر ۲).

• منظر مشارکتی

مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت زندگی فردی بیرون بیایند و با احساس مسئولیت جمعی به شهروند تبدیل شوند (پیران، ۱۳۷۴، ۱۳۲). رویکرد منظر مشارکتی، یکی از راهکارها برای پیوند دوباره مردم با شهر است و بر مخاطب‌محور بودن منظر تأکید دارد. فرآیند طراحی مشارکتی، فرآیندی سازمان‌دهی‌شده و اصولی است که از طریق آن، استفاده‌کنندگان غیرمتخصص، ناظران و ذی‌نفعان طرح به یکدیگر کمک می‌کنند تا یک فضای شهری به یک مکان ارزشمند تبدیل شود (IAP2, 2017).

اکنون پس از سال‌ها تجربه در طراحی، برنامه‌ریزی و توسعه

کاری همیاری و همکاری می‌کند (شکوری، ۱۳۹۰، ۸). منظور تعریف و تحلیل مسائل، طرح و تنظیم راه حل‌ها، تحرک منابع و به‌کارگیری آنها در همه سطوح در جهت رفع نیازها و توسعه حضور مردم است. در فرآیند مشارکت، کنشگران می‌توانند بر فرآیندهایی که زندگی آنها را متأثر می‌کند نظارت و کنترل داشته باشند (Peris, Cebillo-Baque & Calabuig, 2011, 85). در مشارکت، تمام مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهایی که تمایلات و علایق آنها را بیان می‌کند، حضور دارند (Sadashiva, 2008, 8). در واقع امروزه، تعهد به مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه در قالب نهادها، از ویژگی‌های اصلی دولت‌های توسعه‌مدار به شمار می‌رود (Pollard, 2010, 705). در ادامه به برخی از تعاریف در این رابطه اشاره می‌شود.

۱- مشارکت عبارت است از تشکیل گروه‌های محروم از مزایای اجتماعی، به منظور تأمین برخی نیازهای ضروری آنها-که دولت آن‌ها را تأمین نمی‌کند و یا خارج از توان مالی او باشد-از طریق خودیاری.

۲- مشارکت در حقیقت انسان‌های ناتوان را به سوی توانمندی هدایت و توانایی‌های بالقوه آنان را به توانایی‌های بالفعل تبدیل می‌کند و بر قدرتشان برای بهره‌گیری از زندگی می‌افزاید (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۸۱).

باید به مشارکت به عنوان ابزار توسعه نگاه کرد. اگر توسعه را یک اندیشه و تفکر تلقی کنیم، مشارکت یک وسیله است. در واقع نتیجه توسعه، توانمندسازی مردم است و توانمندسازی یعنی دانایی، کارایی و پایداری. (علوی‌تبار، ۱۳۷۹، ۱۵). در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: درگیر شدن، یاری‌دادن و مسئولیت. درک عمیق این تعریف نیاز به مرور اجمالی این سه جزء دارد که در ادامه شرح داده می‌شوند:

الف) درگیری ذهنی و عاطفی: مشارکت فقط به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود و در مرتبه اول، به معنای درگیری

مشارکت (ابزار توسعه)		
(پذیرش مسئولیت)	(انگیزش برای یاری دادن)	(درگیری ذهنی و عاطفی)
مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به وابستگی و مسئولیت بدهد.	مشارکت یک دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است.	در مشارکت علاوه بر خود شخص، مهارت‌ها و توانایی‌ها و امکانات فراهم شده نیز درگیر است.

تصویر ۲. سه جزء مهم مشارکت به عنوان ابزار توسعه. مأخذ: نگارندگان.

است» (Sannoff, 2000, 5). روش مشارکتی پیشنهادی سانوف شامل چهار مرحله آگاهی، ادراک، تصمیم‌سازی و اجرا است (Salama, 1995, 83). احساس جمعی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل طراحی مشارکتی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح است. در رویکرد روانشناسانه به طراحی جمعی، هدف بالابردن احساس جمعی از خلال فرآیند مشارکتی در طراحی است (Hertzberger, 2001, 249). طراحی منظر مشارکتی، نه تنها ابزاری برای دستیابی به ابعاد عینی منظر، بلکه هدفی است که منجر به پررنگ شدن ابعاد ذهنی منظر نزد مخاطبان می‌شود. هنگامی که مخاطبان منظر در طراحی آن مشارکت می‌کنند، درک ذهنی آنها از منظر تغییر می‌کند و ارزش‌های اجتماعی و محیطی زیادی به آن اضافه می‌شود (منصوری و فروغی، ۲۰۱۳، ۲۲). دلایل متعددی برای نیاز به مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها وجود دارد که برخی از آنها عبارت است از: الف) امکانات محدود دولت‌ها در تأمین منابع مالی و نیروی انسانی برای ارائه خدمات در سطوح محلی؛ ب) جلوگیری از ناهمخوانی برنامه‌ها با شرایط محلی، تناسب بین نیازها و ماهیت امکانات ارائه شده؛ پ) گسترش ارزش‌های فرهنگی که موجب تقویت هنجارهای برابری و مردم‌سالاری شده و به افزایش مشارکت شهروندان می‌انجامد.

روش پژوهش

این پژوهش از تلفیق روش‌های تحلیل محتوا و مقایسه تطبیقی بهره می‌برد. این مقاله ابتدا در پی استدلال در زمینه ادراک و مشارکت و سپس، در پی دستیابی به شیوه‌های به‌کارگیری روش تطبیقی در منظر مشارکتی است. بخش نخست این نوشتار به مباحث نظری و شناخت ادبیات موضوع در زمینه ادراک و مشارکت به صورت تحلیل محتوا اختصاص دارد که با استفاده از راهبردهای کیفی در بستر استدلال منطقی میسر شده است و بخش دوم به بررسی اشتراکات فاکتورهای ادراک و مشارکت اختصاص دارد و از بستر تحلیل تطبیقی استفاده شده است.

استدلال منطقی، نوعی شناسایی حرکتی است، حرکت از مقدمات به سمت نتیجه؛ این حرکت مستلزم طی مراحل

فضاهای شهری و روستایی، توسعه‌گران به این باور رسیده‌اند که شاه‌کلید موفقیت طرح‌ها، تمرکززدایی و تقویت حضور بهره‌برداران و افراد بومی در پروژه‌های معماری، استفاده از قالب‌های مشارکتی است. مشارکت فرآیندی در راستای خودآموزی اجتماعی و مدنی، حقوق بشر و پیش شرط توسعه است (چمبرز، ۱۳۸۷، ۲۱۲). طراحی مرحله‌ای تعاملی است که هدف آن تدوین سؤال طراحی با مشارکت مالک و گروه طراحی است. به اعتقاد برخی، از جمله «لاوسون» و «لنگ»، «شناخت، طراحی، گزینش، اجرا و ارزیابی پس از اجرا» مراحل اصلی فرآیند طراحی هستند (لاوسون، ۱۳۸۴، ۱۲۵). به اعتقاد «راندلف هستر»، هدف اصلی فرآیند طراحی با رویکرد مشارکتی استفاده از خلاقیت جمعی، به منظور توسعه پایدار اجتماعی و محیطی است. به نظر می‌رسد از دیدگاه وی، طراحی مشارکتی سبب بهبود خلاقیت در فرآیند طراحی خواهد شد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تغییرات حاصل از نگرش‌های جدید مشارکتی، توجه به ابزارهای مشارکتی به عنوان واسطه میان کاربران و متخصصان است. در این پروژه‌ها طراح نقش تسهیل‌کننده را بر عهده می‌گیرد و برای ارتباط با ایده‌ها و عقاید کاربران از ابزارهای مختلف مشارکتی استفاده می‌کند. محیط ایده‌آل برای فرآیندهای مشارکتی که، در آن مردم با انگیزه بیشتری شرکت می‌کنند، محیطی است که سهم هریک از گروه‌ها در آن به یک اندازه باشد. برای دادن اطلاعات کافی به مردم، که اغلب در زمینه طراحی آگاهی لازم را ندارند، می‌توان از کارگاه‌های آموزشی برای اطلاع‌رسانی درباره وضع موجود و روش‌هایی برای بیان ایده‌های خلاقانه آنان به منظور طراحی استفاده کرد. باید آموزش و توسعه مهارت‌های لازم را قبل از شروع انتخاب روش برنامه‌ریزی و طراحی مشارکتی در نظر گرفت (Hester, 1990, 46).

«سانوف» مشارکت را به عنوان حضور کاربر در تولید اثر معماری مهم می‌داند. وی در زمینه رویکرد مشارکتی در فرآیند طراحی معماری به چند عامل اشاره دارد: «برای یک مسئله طراحی همواره بهترین پاسخ وجود ندارد، تصمیم متخصصان به ناچار بهتر از دیگران نیست. عمل طراحی باید شفاف باشد؛ این فرآیند همواره ادامه دارد و در حال تغییر

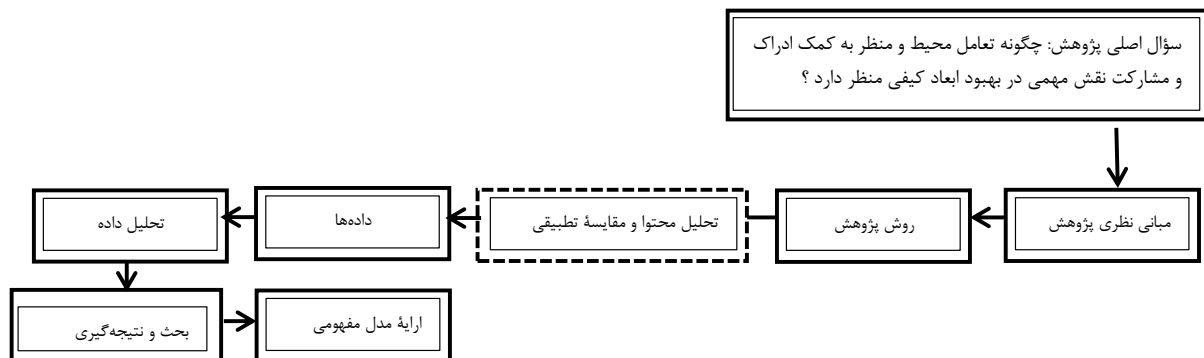
ادراک منظر براساس ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و معنایی تقسیم‌بندی شده و منطبق با هرکدام از این عوامل، منابع و مستندات آن ذکر شده است.

با توجه به **جدول ۱**، فراوانی تئوری نظریه‌پردازان در زمینه ادراک منظر در **تصویر ۵** ارائه شده است. با در نظر گرفتن این تصویر می‌توان گفت که ویژگی‌های کالبدی در سطح اول، ویژگی‌های فرهنگی-معنایی در سطح دوم و ویژگی‌های عملکردی در سطح آخر از لحاظ توجه نظریه‌پردازان قرار می‌گیرند. همچنین با بررسی مبانی نظری، مشارکت به چهار ویژگی نظریه مشارکتی، گستره چندسطحی، الگو و روش مشارکتی و نردبان مشارکتی تقسیم می‌شود. براساس یک استدلال منطقی نظریه مشارکتی، شامل آگاهی‌رسانی، ادراک، تصمیم‌سازی، اجرا، چشم‌اندازسازی، برنامه‌ریزی، نظارت؛ گستره چندسطحی، شامل همکاری کردن، نظارت شهروندی، آگاهی در مورد تصمیمات، موافقت با تصمیمات، توانمندسازی و مشورت؛ الگو و روش مشارکتی همگام با چرخه تصمیم‌گیری، کارگاه آموزشی مشارکتی، توانمندسازی، کاربردی و نمایندگان کاربران؛ و در نهایت نردبان مشارکتی، شامل درجه قدرت شهروندی، کنترل شهروندی، مشاوره کردن، اطلاع‌رسانی، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی به عموم است. در **تصویر ۶**، تحلیل مشارکت براساس داده‌های به‌دست‌آمده از تحقیق ارائه شده است. سپس عوامل و شاخص‌های مؤثر بر مشارکت از نگاه نظریه‌پردازان در **جدول ۲** دسته‌بندی شد. در این جدول مشارکت براساس شاخص‌های پرتکرار نظریه مشارکتی، گستره چندسطحی، الگو و روش مشارکتی و نردبان مشارکتی تقسیم‌بندی شده و منطبق با هرکدام از این شاخص‌ها، منابع و مستندات آن ذکر شده است. با توجه به **جدول ۲**، فراوانی تئوری نظریه‌پردازان در زمینه مشارکت در **تصویر ۷** ارائه شده است. با در نظر گرفتن این تصویر می‌توان گفت که شاخص

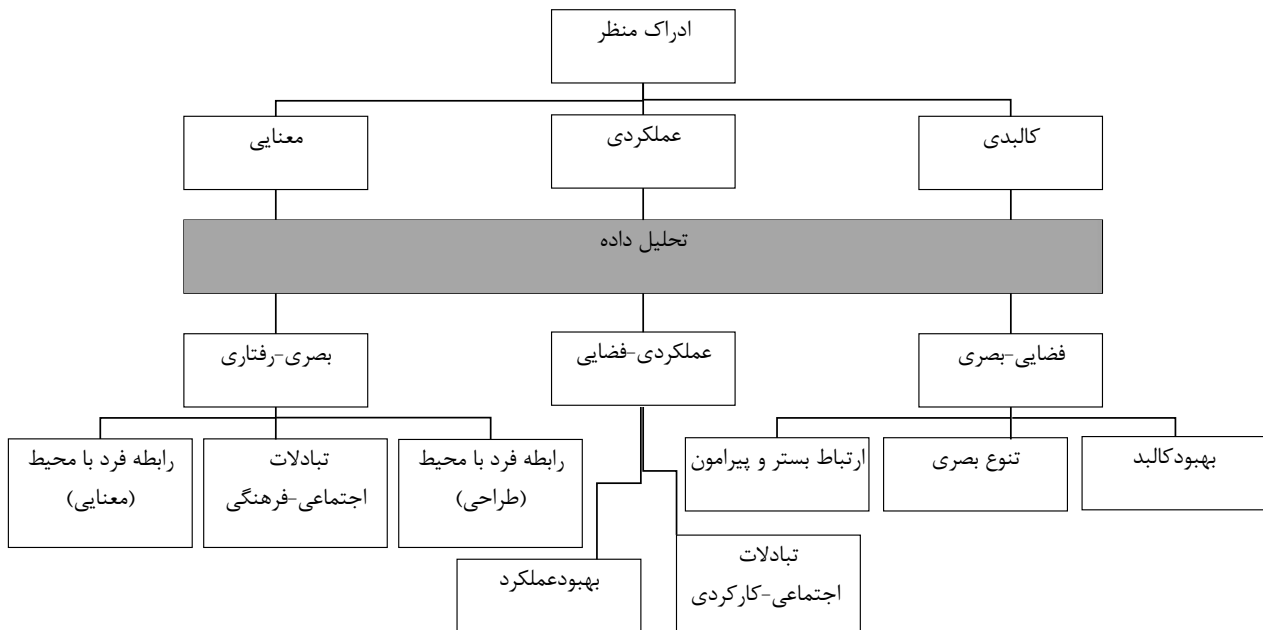
است و در آن نوعی پیوستگی و تدریج وجود دارد. از این رو هر نوع جدایی در این حرکت، به ساختار آن لطمه اساسی می‌زند و کسب نتیجه را ناممکن می‌سازد. براساس چنین مشخصه‌ای، استدلال منطقی را شناسایی حرکتی می‌نامند (**خوانساری، ۱۳۸۳، ۳**). روش تحلیل محتوای تطبیقی یکی از اصلی‌ترین روش‌ها در حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی، است. مک کی و همکارش به دو علت به ضرورت تحلیل تطبیقی توجه کرده‌اند، این دو علت عبارتند از: الف) برای پرهیز و دوری از تحلیل قومدارانه که بسیار موثر است؛ ب) ضرورت مطالعه این روش برای ایجاد آزمون و شکل‌دهی مجدد به نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها (**مک کی و مارش، ۱۳۷۸، ۲۷۸، به نقل از غفاری، ۱۳۸۹؛ تصویر ۳**).

یافته‌ها

در راستای دستیابی به هدف پژوهش، در این بخش با دقت در ادبیات نظری و بررسی‌های انجام‌شده، عوامل مؤثر بر ادراک منظر و مشارکت از نگاه نظریه‌پردازان شناسایی و دسته‌بندی شد. با بررسی مبانی نظری، ادراک منظر به سه ویژگی کالبدی، عملکردی و معنایی تقسیم می‌شود. بنا به گفته نظریه‌پردازان، داده‌ها در حیطه کالبدی (فضایی بصری)، شامل بهبود کالبد، تنوع بصری و ارتباط بستر و پیرامون؛ در حیطه عملکردی (عملکردی-فضایی)، شامل تبادلات اجتماعی- کارکردی و بهبود عملکرد؛ و در حیطه معنا (بصری-رفتاری) نیز شامل رابطه فرد با محیط (طراحی)، رابطه فرد با محیط (معنایی) و تبادلات اجتماعی- فرهنگی است. در **تصویر ۴**، تحلیل ادراک منظر براساس داده‌های به‌دست‌آمده از تحقیق ارائه شده است. سپس عوامل و شاخص‌های مؤثر بر ادراک منظر از نگاه نظریه‌پردازان در **جدول ۱** دسته‌بندی شد. در این جدول



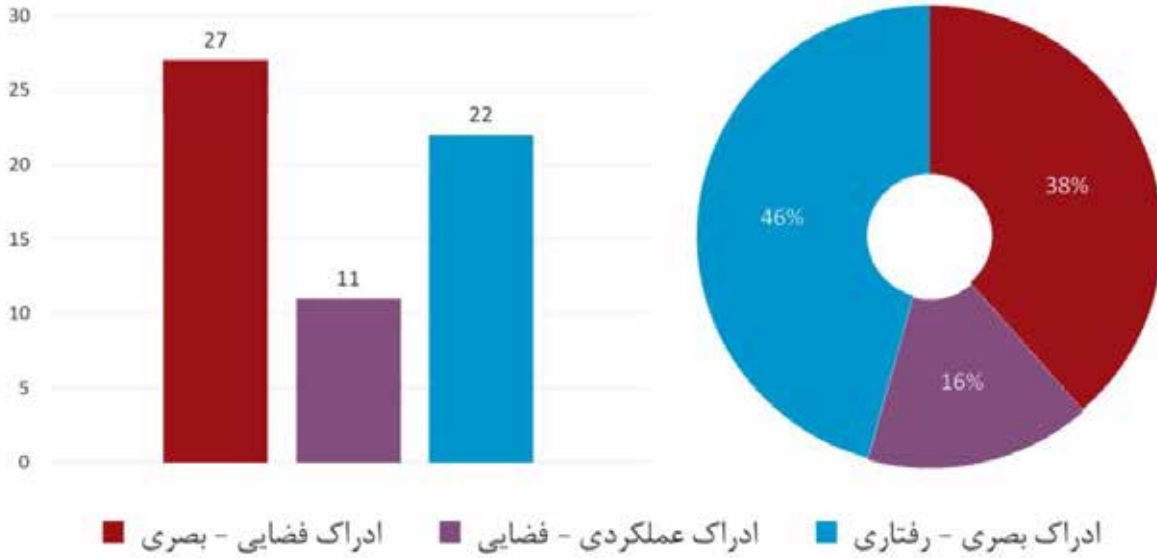
تصویر ۳. چارچوب متدولوژی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.



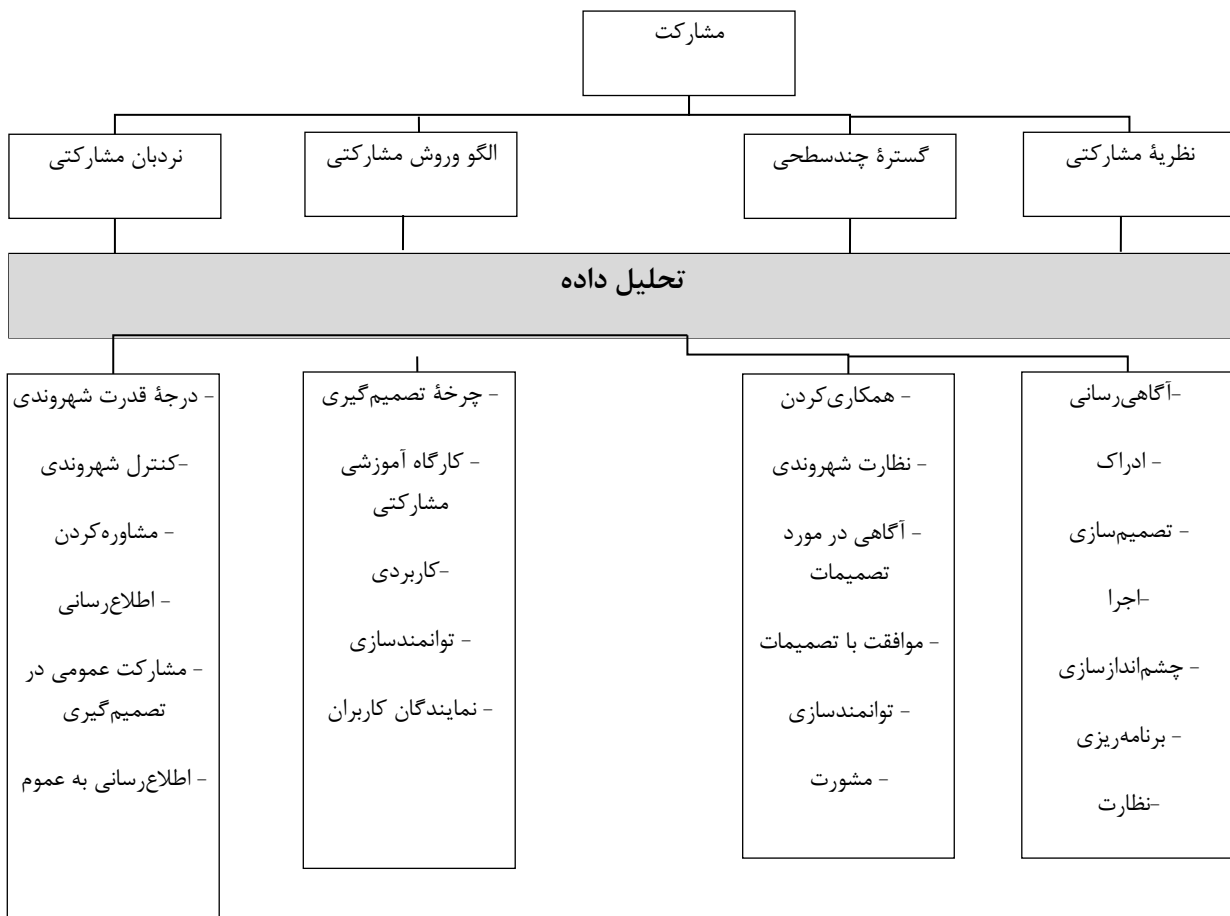
تصویر ۴. تحلیل داده ادراک منظر. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. عوامل مؤثر در ادراک منظر از نگاه نظریه پردازان. مأخذ: نگارندگان.

مأخذ و مستندات	شاخص‌ها	رویکرد
Lynch (1960); Cullen (1961); Fleishman & Rich (1963); Steele (1981); Hillier & Hanson (1984); Punter (1991); Schulz (2000); Salvesen (2002); de Oliveira (2016); Zeidman & Maguire (2016); Habibi, Farahmandian & Mojdehi (2016); Suthasupa (2017); Morgan (2017); Dupont, et al. (2017); Filyushkina, Agimass, Lundhede, Strange & Jacobsen (2017); Oberg, Drori & Delmestri (2017); Xue et al. (2017); Ferretti (2018); Senes, et al. (2018); Puren Puren, Roos & Coetzee (2018); Lande (2018); Kelly (2018); Phillips, et al. (2018); Danielsson (2019); Li, Chen, Fang, Li & Bu (2019); Milioris (2019); Wang, et al, 2019	بهبود کالبدی؛ تنوع بصری؛ ارتباط بستر و پیرامون	ادراک فضایی - بصری (ویژگی‌های کالبدی)
Relph (1976); Trancik (1986); Gobster (1995); Kauffmann Ramanoël, Guyader, Chauvin & Peyrin (2015); Kefayati & Moztarzadeh (2015); Jasińska (2016); Parysek & Mierzejewska (2016); Chen & Tao (2017); McClinchey (2017); Ishak & Haymaker (2018); Borucińska-, 2019	بهبود عملکردی؛ تعاملات اجتماعی - کارکردی	ادراک عملکردی - فضایی (ویژگی‌های عملکردی)
Appleyard (1979); Lang (1987); Gehl (1987); Punter (1991); Relph (2007); Polat & Akay (2015); Wang, Brown & Liu (2015); Wan & Shen (2015); Warner, Rumble, Martin, Lamm & Cantrell, (2015); Wood (2015); Naghibi, Habib & Shabani (2015); Leng & Li (2016); Habibi et al. (2016); Ratcliffe & Korpela (2016); Agyei, Van der Weel & Van der Meer, (2016); Warner, Lamm, Rumble, Martin, Cantrell & arner (2016); Rapoport (2016); Ramani, Post, Könings, Mann, Katz & van der Vleuten, (2017); Knez & Eliasson (2017); (Monteyne (2017); Tavakoli (2017); Lore & Swital, 2018	رابطه فرد با محیط (طراحی)؛ تبادلات اجتماعی - فرهنگی؛ رابطه فرد با محیط (معنایی)	ادراک بصری - رفتاری (ویژگی‌های فرهنگی - معنایی)



تصویر ۵. فراوانی تئوری نظریه پردازان در حوزه ادراک منظر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. تحلیل داده مشارکت. مأخذ: نگارندگان.

مشارکت و همکاری در سطح اول، شاخص تصمیم‌سازی در سطح دوم، آگاهی‌رسانی در سطح سوم و شاخص نظارت شهروندی در سطح آخر از لحاظ توجه نظریه‌پردازان قرار می‌گیرد.

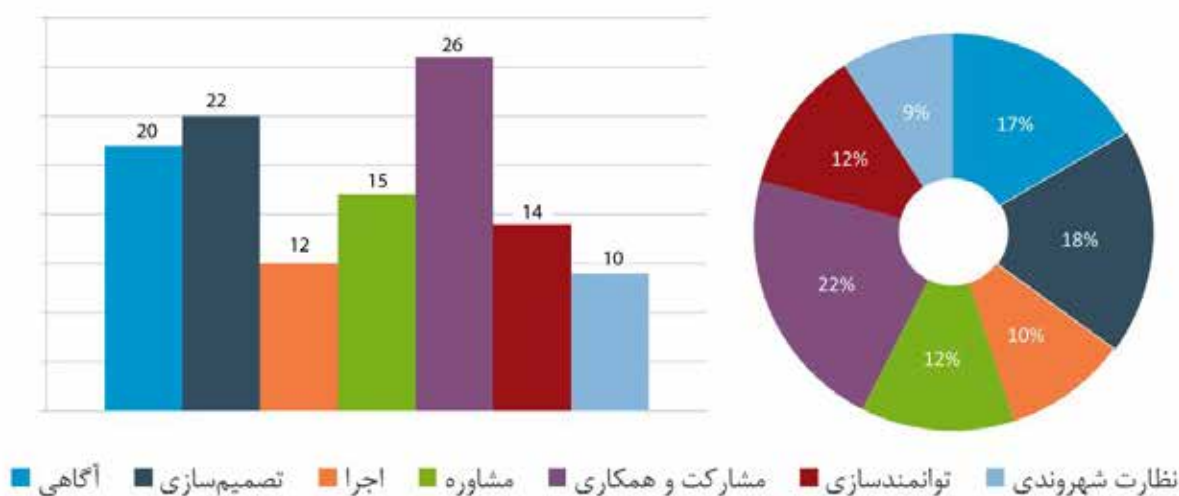
بحث و نتیجه‌گیری

ادراک علاوه بر اینکه یک پدیده روانی-فیزیولوژیکی است، یک پدیده روانی-اجتماعی نیز هست. نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها، فکر قالبی و ارزش‌های فردی یا اجتماعی، همه از عوامل تعیین‌کننده ادراک اجتماعی هستند. به عبارت دیگر، ادراک اجتماعی پیش از آن که یک واکنش روانی-فیزیولوژیک در برابر محرک‌های محیطی باشد، یک تعامل ادراکی با محیط اجتماعی است. در راستای تدوین چارچوب مفهومی و زمینه‌های نظری ادراک منظر و مشارکت، باید به نظریات صاحب‌نظران نیز پرداخته شود. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ادراک منظر، می‌توان به سه ویژگی کالبدی، عملکردی و معنایی اشاره کرد. به همین منظور در بحث داده‌ها، رویکردهای فضایی-بصری، عملکردی-فضایی و بصری-رفتاری مطرح می‌شود. اما از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مشارکت، می‌توان به نظریه مشارکتی، گستره چندسطحی، الگو و روش مشارکتی و نردبان مشارکتی اشاره کرد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش مدل مفهومی ارتباط دوسویه ادراک منظر و مشارکت در فرآیند توسعه منظر مشارکتی است؛ ضمن اینکه تطبیق آنها به واسطه استدلال منطقی، یعنی کمک نظریه‌پردازان صورت می‌گیرد. در این صورت بین فاکتورهای مشارکت و ادراک منظر ارتباطی دوسویه شکل می‌گیرد: الف) ارتباط «آگاهی» با «بهبود کالبد» و «ارتباط بستر و پیرامون»؛ ب) ارتباط «تصمیم‌گیری» و «توانمندسازی» با «تبادلات اجتماعی-فرهنگی» و «رابطه فرد با محیط (معنایی)»؛ ج) ارتباط «نظارت» با «بهبود عملکرد»؛ د) ارتباط «مشاوره»، «همکاری» و «اجرا» با «رابطه فرد با محیط (طراحی)» و

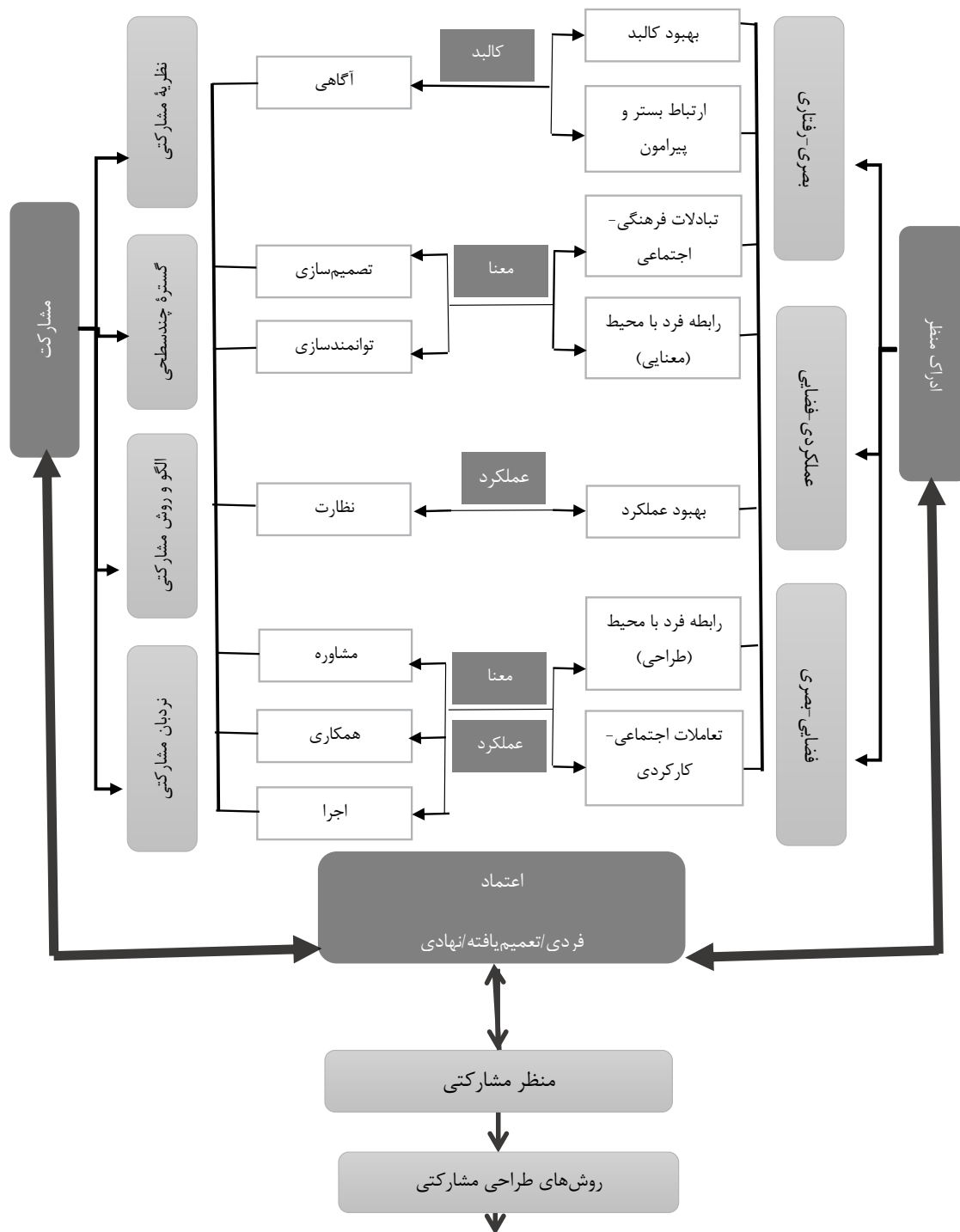
«تعاملات اجتماعی-کارکردی». صرف‌نظر از تمامی موارد ذکرشده در یافته‌های مشارکت و ادراک منظر، این فرآیند جهت توسعه منظر مشارکتی نیاز به اعتماد فردی، تصمیم‌یافته و نهادی دارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که از روش‌های نظریه‌پردازی چون «لاسون»، «هستر»، «سانوف» و «هرتزرگ»، به دلیل تأثیراتی که بر مشارکت و خلاقیت جمعی و توسعه آن گذاشته‌اند، برای طراحی منظر مشارکتی استفاده شود. می‌توان گفت که وجود ارتباط دوسویه «ادراک منظر» و «مشارکت» در فرآیند توسعه «منظر مشارکتی» می‌تواند به شیوه‌های زیر در بحث مطالعات زیربنایی تا اجرایی مهم تلقی شود: الف) هرگونه طراحی از ایده‌پردازی، شناخت، مبانی طراحی، طراحی مرحله‌ای، گزینش، تحلیل، اجرا، ارزیابی پس از اجرا و شکل‌گیری همه این موارد، به ترتیب، مطابق با آنچه لاسون می‌گوید، بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ ب) می‌توان از طریق فرآیند طراحی با رویکرد مشارکتی - که هستر آن را خلاقیت جمعی می‌نامد- به توسعه پایدار اجتماعی و محیطی پرداخت؛ آنچه جهان امروز در راستای توسعه پایدار اجتماعی-محیطی برای آن تلاش می‌کند؛ ج) همه چیز، از جمله داده‌ها، یافته‌ها، نیازها، ایده‌ها و آنچه قرار است ارائه شود، باید دارای شفافیت طراحی و اجرایی باشد و این از موارد مهمی است که سانوف در بحث شفاف‌بودن طراحی در روش مشارکتی، آگاهی، ادراک، تقسیم‌سازی و اجرا بیان می‌کند. د) آنچه در رابطه با ارتباط دوسویه ادراک منظر و مشارکت مطرح است هرتزرگ (۲۰۰۱) به خلاقیت جمعی با هدف بالابردن احساس جمعی از خلال فرآیند مشارکت در طراحی اشاره می‌کند و عنوان می‌کند که این مهم نیز در رأس مطالعات زیر بنایی قرار گیرد (Hertzberger, 2001). در نهایت، در طراحی منظر مشارکتی، خلاقیت جمعی به کمک طراحی مرحله‌ای به صورت کاملاً شفاف، جهت بالابردن احساس جمعی از اولویت‌ها هستند که نحوه ارتباط همه موارد در تصویر ۸ ارائه شده است.

جدول ۲. عوامل مؤثر در مشارکت از نگاه نظریه پردازان. مأخذ: نگارندگان.

شاخص‌ها	مأخذ و مستندات
آگاهی‌رسانی	Arnstein (1969); Turner (1976); Deshler & Sock (1985); Paul (1987); Wiedemann & Femers (1993); Dorcey British Columbia Round Table on the Environment and the Economy (1994); Davidson (1998); Sanoff (2000); Francis & Lorenzo (2002); Delli Priscoli (2003); Chagutah (2009); Hopkins (2010); Nyerges & Aguirre (2011); Clifford (2013); Duperrin (2014); Usov (2014); Kahila-Tani, Broberg, Kytta & Tyger (2016); IAP2 (2017); Du, Degbelo & Kray (2017); Brown, Sanders & Reed (2018).
تصمیم‌سازی	Arnstein (1969); Turner (1976); Crosby, Kelly & Schaefer (1986); Paul (1987); Swallow, Opaluch & Weaver (1992); Renn, Webler, Rakel, Diemel & Johnson (1993); Wiedemann & Femers (1993); Chambers (1996); Rowe (1998); Driskell (2002); Delli Priscoli (2003); Van Bochove (2008); Yang (2008); Deakin (2009); Hopkins (2010); Nadeem & Fischer (2011); Camay, Mosseri, Gray, Stein, Macguire, Jordan, Sanagavarapu, & Leung (2013); EU (2014); Ross et al. (2016); Wortley et al. (2017); IAP2 (2017); Du et al. (2017)
اجرا	Turner (1976); Paul (1987); Deakin (2009); Hopkins (2010); Kinzer (2016); Wagner et al. (2016); Du et al. (2017); Xie et al. (2017); Bherer et al. (2017); Challies et al. (2017); Brescancin et al. (2018); Santé et al. (2019).
مشاوره	Arnstein (1969); Deshler & Sock (1985); Paul (1987); Wiedemann & Femers (1993); Dorcey et al. (1994); Davidson (1998); Sanoff (2000); Driskell (2002); Delli Priscoli (2003); Newman et al. (2004); Martin et al. (2016); Du et al. (2017); IAP2 (2017); Marais et al. (2017); Griffin et al. (2018).
مشارکت و همکاری	Arnstein (1969); Deshler & Sock (1985); Midgley (1987); Swallow et al. (1992); Lake & Disch (1992); Wiedemann & Femers (1993); Chakraborty & Stratton (1993); Renn et al. (1993); Dorcey et al. (1994); Chambers (1996); Moffet (1996); White (1996); Davidson (1998); Sanoff (2000); Driskell (2002); Francis & Lorenzo (2002); Deakin (2009); Bailey & Grossardt (2010); Hopkins (2010); Mackrodt & Helbrecht (2013); Ross, Baldwin & Carter (2016); Voß & Amelung (2016); Sinclair & Diduck (2017); Dean (2017); IAP2 (2017); Du et al. (2017).
توانمندسازی	Midgley (1987); Chambers (1996); White (1996); Davidson (1998); Delli Priscoli (2003); Department of Health (2008); Van Bochove (2008); Yang (2008); Open Society Foundations (2014); UNDP (2015); IAP2 (w2017); Du et al. (2017); Hajdarowicz, 2018
نظارت شهروندی	Arnstein (1969); Deshler & Sock (1985); Wiedemann & Femers (1993); Driskell (2002); & Park (2016); Du et al. (2017); Li et al. (2018); Kovachev, Slaev, Nozharova, Nikolov & Petrov (2018); Chunxing & Long (2018); Li & Du, 2018



تصویر ۷. فراوانی تئوری نظریه‌پردازان در حوزه مشارکت. مأخذ: نگارندگان.



الف) Lawson: طراحی مرحله‌ای (شناخت طراحی، گزینش، اجرا، ارزیابی پس از اجرا)
ب) Hester: فرآیند طراحی با رویکرد مشارکتی، «خلاقیت جمعی»، به منظور توسعه پایدار اجتماعی و محیطی
ج) Sannoff: عمل طراحی باید شفاف باشد. روش مشارکتی: آگاهی، ادراک، تصمیم‌سازی و اجرا
د) Hertzberger: خلاقیت جمعی با هدف بالابردن احساس جمعی از خلال فرآیند مشارکتی در طراحی

تصویر ۸. مدل مفهومی ارتباط دوسویه ادراک منظر و مشارکت در فرآیند توسعه منظر مشارکتی. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- گلچین، پیمان؛ ناروئی، بهروز و مثنوی، محمدرضا. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت بصری فضاهای آموزشی براساس ترجیحات استفاده‌کنندگان (مطالعه موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان). *محیط‌شناسی*، ۳۸ (۶۲)، ۱۳۵-۱۵۰.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری. *مجله آبادی*، ۱۸ (۵۳)، ۳۸-۴۷.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایدار، نشریه علوم محیطی، ۵ (۴)، ۹۵-۱۱۳.
- لاوسون، بریآن. (۱۳۸۴). *طراحان چگونه می‌اندیشند* (ترجمه حمید ندیمی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، چاپ اول. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *نشریه باغ نظر*، ۱ (۲)، ۶۹-۷۸.
- منصوری، سید امیر و فروغی، مه‌دا. (۱۳۹۷). مفهوم طراحی مشارکتی منظر، *باغ نظر*، ۱۵ (۶۲)، ۱۷-۲۴.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۴). *جزوه منتشر نشده درس مبانی نظری معماری منظر*. دانشگاه تهران، ایران.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۳). معماری، حضور، زبان مکان (ترجمه علیرضا سید احمدیان). تهران: معمار نشر.
- یاور، بیژن. (۱۳۸۰). *شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد شهرسازی. دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
- Agyei, S. B., Van der Weel, F. R., & Van der Meer, A. L. (2016). Development of visual motion perception for prospective control: brain and behavioral studies in infants. *Frontiers in psychology*, (7), 100.
- Appleyard, D. (1979). *Planning the Pluralistic City*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Appleyard, D. & Lintell, M. (1972). The environmental quality of city streets: the residents' viewpoint, *J Am Inst Plann*, (38), 84-101.
- Arnstein, SR. (1969). A ladder of citizen participation. *In: Journal of American Planning*, 35(4), 216-224.
- Bailey, K. & Grossardt, T. (2010). Toward structured public involvement: Justice, geography and collaborative geospatial/geovisual decision support systems, *Annals of the Association of American Geographers*, 100(1), 57-86.
- Berque, A., Conan, M., Donadieu P. & Lassus Roger, A. (1994). Cinq propositions pour une théorie du paysage. *In: Annales de Géographie*, (104), 421.
- Bherer, L., Gauthier, M. & Simard, L. (2017). *The professionalization of public participation*. London: Routledge.
- Borucińska-Bieńkowska, H. (2019). Synergistic Processes in Functional-Spatial Development of Communes in a Metropolitan Area. *In International Conference on Applied Human Factors and Ergonomics*, 427-435.
- امین‌زاده، بهرام. (۱۳۸۶). *بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی. هنرهای زیبا*، (۳۲)، ۵-۱۳.
- انصاری، مجتبی؛ صادقی، علیرضا؛ احمدی، فریال و حقیقت‌بین، مهدی. (۱۳۸۷). هویت‌بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری. *آینه خیال*، (۱۱)، ۹۳-۱۰۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی از فضا تا مکان*، جلد سوم. تهران: انتشارات شهیدی.
- پریموزیک دنیل تامس. (۱۳۸۸). *مرلوپونتی، فلسفه و معنا* (ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی). تهران: نشر مرکز.
- پوردیهیمی، شهرام و نورتقانی، عبدالمجید. (۱۳۹۱). هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. *مسکن و محیط روستا*، (۱۴۱)، ۳-۱۸.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۴). *برنامه جامع آگاه‌سازی همگانی: شهروند مداری*. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی.
- حبیبی، فرح. (۱۳۸۵). *منظر شهری در گذر تاریخ*. *آبادی*، ۱۸ (۵۳)، ۴۸-۵۳.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۷). *صور خیال شهر را پاک کرده‌ایم*. *رایانه معماری و ساختمان*، (۳)، ۱۱۵-۱۱۷.
- حبیبی، محسن و سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۵). *شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران*. *هنرهای زیبا*، (۲۴)، ۱۵-۲۴.
- خوانساری، محمد. (۱۳۸۳). *منطق صوری*. تهران: نشر آگاه.
- دویران، اسماعیل؛ خدایی، داود؛ غلامی، سعید و دانش‌دوست، مهرداد. (۱۳۹۱). *سنجش مؤلفه‌های آسایش بصری در منظر شهری* (با تأکید بر محله حسینیه اعظم زنگان). *جغرافیا و مطالعات محیطی*، (۳)، ۴۵-۶۰.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۵). *چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر*. *آبادی*، (۵۳)، ۲۶-۳۸.
- رستنده، امین. (۱۳۸۶). *معیارهای طراحی منظر در حاشیه مسیلهای درون‌شهری*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- زندیه، مهدی و زندیه، راضیه. (۱۳۸۹). *در جستجوی کریدورهای دید راهبردی شهر تهران*. *معماری و شهرسازی ایران*، (۱)، ۲۷-۳۶.
- شکوری، علی. (۱۳۹۰). *مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی؛ با تأکید بر ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). *بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها؛ تجارب جهانی و ایران*. (ج. ۱)، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۹). *منطق پژوهش تطبیقی*. *جامعه‌شناسی ایران*، (۴)، ۹۹-۱۱۹.
- فلاحت، محمد صادق. (۱۳۹۱). *مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن*. *هنرهای زیبا*، (۲۹)، ۵۱-۵۹.
- کالن، گوردون. (۱۳۹۵). *گزیده منظر شهری* (ترجمه منوچهر طبیبیان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیانی، مصطفی و پورعلی، مصطفی. (۱۳۹۱). *بازشناسی مکان، مطالعه موردی: میدان شهرداری رشت*، *دانشگاه هنر*، (۸)، ۵۹-۷۴.

- Brescancin, F., Dobšinská, Z., De Meo, I., Šálka, J. & Paletto, A. (2018). Analysis of stakeholders' involvement in the implementation of the Natura 2000 network in Slovakia. *Forest Policy and Economics*, (89), 22-30.
- Brown, G., Sanders, S., & Reed, P. (2018). Using public participatory mapping to inform general land use planning and zoning. *Landscape and urban planning*, (177), 64-74.
- Caiani, S. Z. (2014). Framing Visual perception in terms of Sensorimotor mapping, The Baltic International Yearbook of Cognition, *Logic and Communication*, (9), 1-16.
- Camay, S., Mosseri, G., Gray, N., Stein, D., Macguire, T., Jordan, P., Sanagavarapu, S. & Leung, J., (2013). Chinatown curbside management study: a case study on implementing an adaptive public outreach framework in a traditional neighborhood. CD-ROM. Transportation Research Board of the National Academies 92nd Annual Meeting, 2013. United States: Washington DC.
- Carmona, M. (2010). *Public places, Urban spaces: the dimensions of urban design* (2nd ed). Oxford: Architectural Press.
- Chagutah, T. (2009). Towards improved public awareness for climate related disaster risk reduction in South Africa: A Participatory Development Communication perspective. Jambá: *Journal of Disaster Risk Studies*, 2(2), 113-126.
- Chakraborty, S. & Stratton, R. (1993). An integrated regional approach to risk management of industrial-systems. *Nuclear Safety*, 34 (1), 1-8.
- Challies, E., Newig, J., Kochskämper, E. & Jager, N. W. (2017). Governance change and governance learning in Europe: Stakeholder participation in environmental policy implementation. *Policy and Society*, 36(2), 288-303.
- Chambers, R. (1996). The Origins and Practice of Participatory Rural Appraisal, *World Development*, 22 (7), 953- 969.
- Chen, H. & Tao, W. (2017). The revival and restructuring of a traditional folk festival: Cultural landscape and memory in Guangzhou, South China. *Sustainability*, 9(10), 1767.
- Chunxing, C. & Long, H. (2018). Public Participation in Water Environment Control: the Status and Experience of Shenzhen, Southern China. *Meteorological and Environmental Research*, 9(4), 70-79.
- Clifford, B. P. (2013). Rendering reform: Local authority planners and perceptions of public participation in Great Britain. *Local Environment*, 18(1), 110-131.
- Cottet, M., Rivière-Honegger, A. & Piégay, H. (2010). *Landscape Perception in Fluvial Ecological Restoration Projects: Contributions and Perspectives for the Implementation of the Landscape European Convention, Living landscape, The European Landscape Convention in research perspective*, Firenze: Italy, 1-24.
- Crosby, N., Kelly, J. M. & P. Schaefer. (1986). Citizens panels: A new approach to citizen participation. *Public Administration Review*, (46), 170-78.
- Cullen, G. (1961). *The concise townscape*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Danielsson, C. B. (2019). *The office architecture: A contextual experience with influences at the individual and group level*. In Context. United Kingdom: Woodhead Publishing.
- Davidson, P. S., Vidjen, P., Trincao-Batra, S. & Collin, C. A. (2018). Older Adults' Lure Discrimination Difficulties on the Mnemonic Similarity Task Are Significantly Correlated With Their Visual Perception. *The Journals of Gerontology: Series B*, 74(8), 1298-1307.
- Davidson, S. (1998) 'Spinning the wheel of empowerment', *Planning*, (3), 14-15.
- de Oliveira, R. (2016). *Visual Perception in Expert Action. In Performance Psychology*. United States: Academic Press.
- Deakin, M. (2009). A Community-Based Approach to Sustainable Urban Regeneration. *Journal of Urban Technology*, 1(16), 91-112 .
- Dean, R. J. (2017). Beyond radicalism and resignation: the competing logics for public participation in policy decisions. *Policy & Politics*, 45(2), 213-230.
- Delli Priscoli, J. (2003). *Participation Consensus Building and Conflict Management Training*. Paris: UNESCO – Division of Water Sciences.
- Deniz, K. & Topcu, M. (2012). Visual presentation of mental images in urban design education : cognitive maps. *Procedia - Soc. Behav. Sci. Elsevier B.V.*, (51), 573-582.
- Deshler, D. & Sock, D. (1985). *Community Development Participation, A Concept Review of the International Literature*”, Paper presented at the International league for social commitment in Adult Education. Sweden: Ljungskile.
- Department of Health. (2008). *High Quality Care for All: NHS Next Stage Review Final Report*. Norwich: The Stationery Office.
- Dorcey, A. H. J. & British Columbia Round Table on the Environment and the Economy. (1994). *Public Involvement in Government Decision Making: Choosing the Right Model: A Report of the B.C. Round Table on the Environment and the Economy*. Victoria, B.C.: The Round Table. Retrieved from [http:// web.unbc.ca/geography/faculty/greg/publications/BC-EG-all.pdf](http://web.unbc.ca/geography/faculty/greg/publications/BC-EG-all.pdf).
- Driskell, D. (2002). *Creating better cities with children and*

- youth : a manual for participation*. London; Sterling, VA: Paris: Earthscan; UNESCO Pub., MOST/Management of Social Transformation.
- Du, G., Degbelo, A. & Kray, C. (2017). *Public displays for public participation in urban settings: a survey*. In Proceedings of the 6th ACM international symposium on pervasive displays. New York: ACM.
 - Duperrin, B. (2014). *The future of participation: Big data and connected objects*. Duperrin. Retrieved from <http://www.duperrin.com/english/2014/07/01/future-participation-big-data-connected-objects>.
 - Dupont, L., Ooms, K., Duchowski, A. T., Antrop, M. & Van Eetvelde, V. (2017). Investigating the visual exploration of the rural-urban gradient using eye-tracking. *Spatial Cognition & Computation*, 17(1-2), 65-88.
 - European Union (EU). (2014). Directive 2014/52/EU of the European Parliament and of the Council of 16 April 2014 Amending Directive 2011/92/EU on the Assessment of the Effects of Certain Public and Private Projects on the Environment. *Official Journal of the European Union*, (57),1-31.
 - Ferretti, G. (2018). Visual feeling of presence. *Pacific Philosophical Quarterly*, (99), 112-136.
 - Filyushkina, A., Agimass, F., Lundhede, T., Strange, N. & Jacobsen, J. B. (2017). Preferences for variation in forest characteristics: Does diversity between stands matter? *Ecological economics*, (140), 22-29.
 - Fleishman, E. A. & Rich, S. (1963). Role of kinesthetic and spatial-visual abilities in perceptual-motor learning. *Journal of Experimental Psychology*, 66(1), 6.
 - Francis, M. & Lorenzo, R. (2002). Seven Realms of Children's Participation. *Journal of Environmental Psychology*, (22), 157-169.
 - Francis, P. & Hutchinson, P. J. (2012). Landscapes for peace: A case study of active learning about urban environments and the future. *Futures*, (44), 24-35.
 - Gehl, J. (1987). *Life between Buildings: Using Public Space*. New York: Van Nostrand Reinhold.
 - Gobster, Ph. (1995). Aldo Leopold's ecological esthetic, integrating esthetic and biodiversity Values. *Journal of Forestry*. 93(2), 6-10.
 - Griffin, G., Stoeltje, G., Geiselbrecht, T., Simek, C., Ettelman, B. & Metsker-Galarza, M. (2018). *Performance Measures for Public Participation Methods (No. PRC 17-89 F)*. Texas A & M University: Transportation Policy Research Center. Texas A&M Transportation Institute
 - Habibi, M., Farahmandian, H. & Mojdehi, R. B. (2016). Reflection of urban space in Iranian cinema: A review of the last two decades. *Cities*, (50), 228-238.
 - Hajdarowicz, I. (2018). Does participation empower? The example of women involved in participatory budgeting in Medellin. *Journal of Urban Affairs*,(4) 1-16.
 - Hertzberger, H. (2001). *Lessons for students in architecture*, Rotterdam: 010 Publishers .
 - Hester, R.T. (1990). *Community design primer*. Ridge Times Press. Mendocino: Calif.
 - Hillier, B. & Hanson, J. (1984). *The social logic of space*, New York: Cambridge University Press.
 - Hopkins, D. (2010). The emancipatory limits of participation in planning; Equity and power in deliberative plan-making in Perth, Western Australia. *TPR*, 81 (1), 5-81.
 - IAP2 (International Association for Public Participation). (2017). *Community Engagement Procedure. Community Planning and Inclusion*. Council seat: Glenorchy City Council.
 - Ishak, S. & Haymaker, J. (2018). Examining functional spatial perception in 10-year-olds and adults. *Perceptual and motor skills*, 125(5), 879-893.
 - Jasińska, K. (2016). Underground as an integral part of the contemporary city: functional, spatial and visual aspects. *Technical*, (1),37-43.
 - Jinghui, W. (2012). Problems and solutions in the protection of historical urban areas. *Frontiers of Architectural Research* (1), 40-43.
 - Junjira, N. & Nopadon, S. (2012). Cultural Landscape, Urban Settlement and Dweller's Perception: A Case Study of a Vernacular Village in Northern Thailand, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (42), 153-158.
 - Kahila-Tani, M., Broberg, A., Kyttä, M. & Tyger, T. (2016). Let the citizens mappublic participation GIS as a planning support system in the Helsinki master plan process. *Planning Practice and Research*, 31(2), 195-214.
 - Kauffmann, L., Ramanoël, S., Guyader, N., Chauvin, A. & Peyrin, C. (2015). Spatial frequency processing in scene-selective cortical regions. *NeuroImage*, (112), 86-95.
 - Kefayati, Z. & Moztaizadeh, H. (2015). Developing effective social sustainability indicators in architecture. *Bulletin of Environment, Pharmacology and Life Sciences*, 4(5), 40-56.
 - Kelly, K. R. (2018). *An Investigation of Visual Memory: The Nexus Between Visual Perception and Memory*. Phd Thesis. Victoria University, Melbourne, Australia.
 - Kincaid, A. (2005). Memory and the City: Urban renewal and literary memoirs in contemporary dublin. *college literature*, 32 (2), 16-42.
 - Kinzer, K. (2016). Missed connections: A critical

analysis of interconnections between public participation and plan implementation literature. *Journal of Planning Literature*, 31(3), 299-316.

- Knez, I. & Eliasson, I. (2017). Relationships between personal and collective place identity and well-being in mountain communities. *Frontiers in psychology*, (8), 79.
- Kovachev, A., Slaev, A. D., Nozharova, B., Nikolov, P. & Petrov, P. (2018). *Can public participation contribute to sustainable mobility?—the experience of Bulgarian cities*. Suport to Urban Development Process, Lausanne: EPFL, IAUS, 59-79.
- Lande, K. J. (2018). The Perspectival Character of Perception. *The Journal of Philosophy*, 115(4), 187-214.
- Lang, J. (1987). *Creating Architectural Theory*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Lang, J. (1988). Symbolic aesthetics in architecture: toward a research agenda. *Environ Aesthet Theory, Res Appl*, 45-55.
- Leng, H. & Li, T. (2016). Research on Public Open Space of Rural Areas in Severe Cold Regions Based on Survey of Residents on the Behavioral Activity. *Procedia Engineering*, (146), 327-334.
- Li, C., Chen, J., Fang, J., Li, H. & Bu, P. (2019). Hierarchical Merging & Generalization Method of Three-Dimension City Model Group Based on the Theory of Spatial Visual Cognition. *Journal of Geographic Information System*, 11(2), 124-137.
- Li, L., Xia, X. H., Chen, B., & Sun, L. (2018). Public participation in achieving sustainable development goals in China: Evidence from the practice of air pollution control. *Journal of cleaner production*, (201), 499-506.
- Li, B. & Du, J. (2018). Research on the Mechanism of Promoting Public Participation in the People's Livelihood Reform Policy Process. In 3rd International Conference on Contemporary Education, Social Sciences and Humanities (ICCESSH 2018). Atlantis Press. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, (233), 1210-1214.
- Lore, M. & Swital, M. (2018). Method for monitoring the visual behavior of a person. *U.S. Patent Application*, (10), 163.
- Low, S. M. (1981). Social science methods in landscape architecture design. *Landscape Planning*, (8), 137-148.
- Lynch, K. (1990). *CITY SENSE CITY DESIGN*, edited by: Banerjee, T. Southworth, M. Cambridge, Massachusetts London: Cambridge.
- Lynch, K. (1960). *The Image Of City*. Cambridge: MIT Press.
- Mackrodt, U. & Helbrecht, I. (2013). Performative Bürgerbeteiligung als neue Form kooperativer Freiraumplanung [Performative participation – a new cooperative planning instrument for urban public spaces], *disP – The Planning Review*, 49(4), 14-24.
- Marais, D. L., Quayle, M. & Burns, J. K. (2017). The role of access to information in enabling transparency and public participation in governance—a case study of access to policy consultation records in South Africa. *African Journal of Public Affairs*, 9(6), 36-49.
- Martin, V., Christidis, L., Lloyd, D. & Pecl, G. (2016). Understanding drivers, barriers and information sources for public participation in marine citizen science. *Journal of Science Communication*, 15(2), 2.
- McClinchey, K. A. (2017). Social sustainability and a sense of place: harnessing the emotional and sensuous experiences of urban multicultural leisure festivals. *Leisure/Loisir*, 41(3), 391-421.
- Meinig, D.W. (1979). *The interpretation of ordinary landscapes*. New York: Oxford University Press.
- Midgley, J. (1987). Popular participation, statism and development. *Journal of Social Development in Africa*, 2(1), 5-15.
- Milioris, D. (2019). *Efficient Indoor Localization via Reinforcement Learning*. In *ICASSP 2019-2019 IEEE International Conference on Acoustics, Speech and Signal Processing (ICASSP)*. IEEE., Neural Networks for Signal Processing Applications, France: Auditorium 2.
- Moffet, J. (1996). Environmental priority setting based on comparative risk and public input. *Canadian Public Administration*, 39 (3), 362-85.
- Monteyne, J. (2017). *The Printed Image in Early Modern*. London: Urban Space, Visual Representation, and Social Exchange.
- Morgan, M. J. (2017). *How pursuit eye movements can convert temporal into spatial information*. London: Routledge.
- Norbrg-Schulz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, Language, Place*. Milan: Skira.
- Nadeem, O. & Fischer, T. B. (2011). An evaluation framework for effective public participation in EIA in Pakistan. *Environ. Impact Assess*, (31), 36-47.
- Naghibi, E., Habib, F. & Shabani, A. (2015). Pedestrian Area Design to Promote Social Interaction (Case study: Isfahan Khajoo Neighborhood). *International Journal of Architecture and Urban Development*, 5(2), 31-42.
- Newman, J., Barnes, M., Sullivan, H. & Knops, A. (2004). Public participation and collaborative governance. *Journal of social policy*, 33(2), 203-223.

- Norberg-Schulz, C. (1988). *Architecture, Meaning and Place Selected Essays*. New York: Rizzoli.
- Norman, B. (2011). Regional environmental governance: interdisciplinary perspectives, theoretical issues, comparative designs (REGov). *Procedia social and behavioral sciences* (14), 193–202.
- Nyerges, T. L. & Aguirre, R. (2011). Public participation in analytic-deliberative decision making: Evaluating a large group online field experiment. *Annals of the Association of American Geographers*, (101), 561-86.
- Oberg, A., Drori, G. S. & Delmestri, G. (2017). *Where history, visibility, and identity meet: institutional paths to visual diversity among organizations*. In *Multimodality, Meaning, and Institutions*. United Kingdom: Emerald Publishing Limited.
- Open Society Foundations. (2014). *Legal empowerment*. Retrieved August 2019, from <http://www.opensocietyfoundations.org/projects/legal-empowerment>.
- Parysek, J. J. & Mierzejewska, L. (2016). Spatial structure of a city and the mobility of its residents: functional and planning aspects. *Bulletin of Geography. Socio-economic Series*, 34(34), 91-102.
- Paul, S. (1987). *Community participation in development projects : the World Bank experience (English)*. World Bank discussion papers ; no. WDP 6. Washington, DC : The World Bank.
- Peris J., Cebillo-Baque M.A. & Calabuig, C. (2011). Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003- 2006, *Habitat international*,(35), 84-92.
- Phillips, L. T., Slepian, M. L. & Hughes, B. L. (2018). Perceiving groups: The people perception of diversity and hierarchy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 114(5), 766.
- Polat, A. T. & Akay, A. (2015). Relationships between the visual preferences of urban recreation area users and various landscape design elements. *Urban Forestry & Urban Greening*, 14(3), 573-582.
- Pollard, D. (2010). *Human Resource Management with Islamic Management Principles, Dialectic for a Reverse Diffusion in*. BLS - Accounting, Business and Management. Escotland: BLS.Abertay University.
- Punter, J. (1991). Participation in the design of urban space. *Landscape Design*, (200), 24-27 .
- Puren, K., Roos, V. & Coetzee, H. (2018). Sense of place: using people's experiences in relation to a rural landscape to inform spatial planning guidelines. *International Planning Studies*, 23(1), 16-36.
- Rachel, M. & Rachel, E. S. (2013). Stumbling upon history: collective memory and the urban landscape, *GeoJournal*, (78), 791-801.
- Ramani, S., Post, S. E., Könings, K., Mann, K., Katz, J. T. & van der Vleuten, C. (2017). "It's just not the culture": a qualitative study exploring residents' perceptions of the impact of institutional culture on feedback. *Teaching and learning in medicine*, 29(2), 153-161.
- Rapoport, A. (1992). On cultural landscapes. *Tradit. Dwellings Settlements R*, 33–47.
- Rapoport, A. (2016). *Human aspects of urban form: towards a man—environment approach to urban form and design*. Elsevier. USA :university of Wisconsin, Milwaukee.
- Ratcliffe, E. & Korpela, K. M. (2016). Memory and place attachment as predictors of imagined restorative perceptions of favourite places. *Journal of Environmental Psychology*, (48), 120-130.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Relph, E. (2007). Spirit of Place and Sense of Place in Virtual Realities. *Techne*, 10(3), 1-12.
- Renn, O., T. Webler, H. Rakel, P. Dienel, & B. Johnson. (1993). Public-participation in decision-making: A 3-step procedure. *Policy Sciences*, 26 (3), 189-214.
- Ross, H., Baldwin, C. & Carter, R. W. (2016). Subtle implications: public participation versus community engagement in environmental decision-making. *Australas. J. Environ. Manag.*, 23 (2), 123-129.
- Rowe, G. (1998). *The use of structured groups to improve judgmental forecasting*. In *Forecasting with judgment*, (edited by G. Wright & P. Goodwin). Chichester, UK: Wiley.
- Sadashiva, M. (2008). *Effects of civil society on urban planning and governance in Mysore*. India: Doctoral thesis. Technical university of Dortmund.
- Salama, A. (1995). *Environmental*. Tehran: Alazhar University.
- Salvesen, D. (2002). *The Making of Place; Research on Place & Space Website*. London: Routledge.
- Sanoff, H. (2000). *Community Participation Methods and Planning*. New York: John Wiley & Sons.
- Santé, I., Fernández-Ríos, A., Tubío, J. M., García-Fernández, F., Farkova, E. & Miranda, D. (2019). The Landscape Inventory of Galicia (NW Spain): GIS-web and public participation for landscape planning. *Landscape research*, 44(2), 212-240.
- Senes, G., Pernechele, L., Berto, R., Fumagalli, N. & Barbiero, G. (2018). Natural Rural Landscape Perception and Restorativeness. *Environmental and territorial modelling for*

planning and design, (4), 243-257.

- Shim, J. & Park, J. H. (2016). Public participation and trust in government: The case of the Korean Financial Regulatory Agency. *Public Performance & Management Review*, 40(1), 1-22.
- Sinclair, A. J. & Diduck, A. P. (2017). Reconceptualizing public participation in environmental assessment as EA civics. *Environmental Impact Assessment Review*, (62), 174-182.
- Steele, F. (1981). *The sense of place*. Boston: publishing company.
- Suthasupa, S. (2017). The Portrayal of a City's Image by Young People. *Journal of ASIAN Behavioural Studies*, 2(2), 89-98.
- Swallow, S. K., Opaluch, J. J. & T. F. Weaver. (1992). Siting noxious facilities: An approach that integrates technical, economic, and political considerations. *Land Economics*, 68 (3), 283-301.
- Tavakoli, S. (2017). *Pedestrian movement and its effect on sociability of public spaces: A case study on Amsterdam*. Urban Planning and Environment, Urban and Regional Studies. California: San Francisco State University.
- Tilley, C. (2006). Introduction: Identity, place, landscape and heritage. *University College London*, 11(2), 7-32
- Trancik, R (1986). *Finding lost space: Theories of urban design*. Chicago: Reinhold.
- Turner, J. F. C. (1976). *Housing by people: towards autonomy in building environments*. London: Marion Boyars.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2015). *Women's empowerment*. Retrieved August 9, from <http://www.undp.org/content/undp/en/home/ourwork/womenempowerment/overview.html>
- Usov, E. (2014). *Konflikt Lukoila i komi-izhemtsev perehodit v stadiyu peregovorov [The conflict of Lukoil and komi-izhemcy debated]*. Retrieved 16 April, 2014 from http://www.m-iz.ru/news/grinpis_o_vstreche_s_lukoilom/2014-04-16-1785 (Accessed 9 August 2019).
- Van Bochove, J. (2008). *Direct democracy in León, Nicaragua: Citizen participation, empowerment, and the influence on the democratic character of local governance*. Retrieved from http://www.researchgate.net/publication/27712414_Direct_democracy_in_Len_Nicaragua_Citizen_participation_empowerment_and_the_influence_on_the_democratic_character_of_local_governance
- Varol, C., Ercoskun, OY. & Gurer, N. (2011). Local participatory mechanisms and collective actions for sustainable urban development in Turkey. *Habitat Int*, (35),9-16.
- Voß, J. P. & Amelung, N. (2016). Innovating public participation methods: Technoscience and reflexive engagement. *Social Studies of Science*, 46(5), 749-772.
- Wagner, S. A., Vogt, S. & Kabst, R. (2016). How IT and social change facilitates public participation: a stakeholder-oriented approach. *Government Information Quarterly*, 33(3), 435-443.
- Wan, C. & Shen, G. Q. (2015). Encouraging the use of urban green space: The mediating role of attitude, perceived usefulness and perceived behavioural control. *Habitat International*, (50), 130-139.
- Wang, D., Brown, G. & Liu, Y. (2015). The physical and non-physical factors that influence perceived access to urban parks. *Landscape and urban planning*, (133), 53-66.
- Wang, X., Huang, Q., Celikyilmaz, A., Gao, J., Shen, D., Wang, Y. F. & Zhang, L. (2019). Reinforced cross-modal matching and self-supervised imitation learning for vision-language navigation. *In Proceedings of the IEEE Conference on Computer Vision and Pattern Recognition*. California: CVPR.
- Warner, L. A., Lamm, A. J., Rumble, J. N., Martin, E. T. & Cantrell, R. (2016). Classifying residents who use landscape irrigation: Implications for encouraging water conservation behavior. *Environmental management*, 58(2), 238-253.
- Warner, L. A., Rumble, J., Martin, E., Lamm, A. J. & Cantrell, R. (2015). The Effect of Strategic Message Selection on Residents' Intent to Conserve Water in the Landscape. *Journal of Agricultural Education*, 56(4), 59-74.
- White, S. C. (1996). Depoliticising development: The uses and abuses of participation, *Development in Practice*, 6(1), 6-15.
- Wiedemann, P. M. & Femers, S. (1993). Public Participation in Waste Management Decision Making: Analysis and Management of Conflicts. *Journal of Hazardous Materials* 33(3), 355-368.
- Wortley, S., Tong, A. & Howard, K. (2017). Community views and perspectives on public engagement in health technology assessment decision making. *Australian Health Review*, 41(1), 68-74.
- Wood, P. (2015). Meet me on the corner? Shaping the conditions for cross-cultural interaction in urban public space. *Interculturalism in cities: concept, policy and implementation*, 53-75.
- Xie, L. L., Xia, B., Hu, Y., Shan, M., Le, Y. & Chan, A. P. (2017). Public participation performance in public

construction projects of South China: A case study of the Guangzhou Games venues construction. *International Journal of Project Management*, 35(7), 1391-1401.

• Xue, F., Gou, Z. & Lau, S. S. Y. (2017). Green open space in high-dense Asian cities: Site configurations, microclimates and users' perceptions. *Sustainable Cities and Society*, 34, 114-125.

• Yang, S. (2008). Public participation in the Chinese environmental impact assessment (EIA) system. *Journal of Environmental Assessment Policy and Management*, (10), 91-113.

• Zeidman, P., & Maguire, E. A. (2016). Anterior hippocampus: the anatomy of perception, imagination and episodic memory. *Nature Reviews Neuroscience*, 17(3), 173.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

گلستانی، نفیسه؛ خاکزند، مهدی؛ فیضی، محسن و کریمی، باقر. (۱۳۹۹). تبیین ارتباط دوسویه ادراک منظر و مشارکت در فرآیند توسعه منظر مشارکتی، *باغ نظر*، ۱۷(۹۰)، ۳۵-۵۴.

DOI: 10.22034/bagh.2019.202680.4320

URL: http://www.bagh-sj.com/article_117950.html

